

تغییر الگوی نقش اجتماعی زنان هند با توجه به فیلم‌های سه دهه اخیر^۱

طاهره میرساردو*

استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار

عذرا باقی

فارغ التحصیل کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی از دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار

چکیده

الگوهای جنسیتی از جمله الگوهایی است که می‌تواند در فرایند تغییر دستخوش دگرگونی شده و نقش‌های سنتی ایفا شده توسط هر جنس به نقش‌هایی نوین تغییر یابد. هندوستان دومین کشور پر جمعیت دنیا و با الگوهای متعدد اجتماعی و فرهنگی است که در طی دهه‌های گذشته تغییرات چشمگیری را در زمینه‌های متعدد تجربه کرده است. در این مطالعه هدف اصلی شناخت روند تغییر الگوی اجتماعی زنان هند طی سه دهه گذشته بود که با استناد به تصویر زنان در فیلم‌های سینمایی سه دهه گذشته در هند مطالعه شد. مطالعه از نوع اسنادی، روش مطالعه کتابخانه‌ای و با توجه به اینکه منبع مورد مطالعه در این پژوهش فیلم‌ها بود، ابزار جمع‌آوری داده‌ها تحلیل محتوای کمی فیلم‌ها بود. دو فیلم برای هر دهه و جمعاً ۱۰۸۰ دقیقه فیلم تحلیل محتوا شد. نتایج پژوهش نشان داد که در این فیلم‌ها ساختار خانواده هسته‌ای و اکثر زنان با سواد و بیکار هستند، در مشاغل مدیریتی سهمی ندارند و الگوی اقتدار در خانواده عمودی است. پوشش زنان برحسب سه دهه متفاوت است و در دهه سوم اکثر زنان پوشش به سبک غربی دارند. زنان عمدتاً در عرصه عمومی و بیش‌تر در مراکز خرید و مراکز تفریحی به تصویر کشیده شده‌اند. در دهه اول از هر سه نوع خشونت وجود دارد و در دهه دوم و سوم خشونت جنسی مشاهده نمی‌شود.

واژگان کلیدی

تغییر اجتماعی؛ ساختار خانواده؛ اقتدار؛ جامعه‌پذیری؛ خشونت

۱. این مقاله برگرفته از رساله عذرا باقی فارغ‌التحصیل رشته جامعه‌شناسی از دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار است.

* نویسنده مسئول

تاریخ تصویب: ۱۳۹۳/۱۲/۲۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۵/۶

مقدمه و بیان مسئله

هند سرزمینی بزرگ با نژادهای متفاوت و استانداردهای فرهنگی متفاوت است و وجود عناصر نژادی مختلف و مراحل توسعه اقتصادی متفاوت در میان نژادها و مردم، تأثیر ماندگاری بر ساختار اجتماعی هند گذاشته است. در این کشور قبایل، کاست‌ها، اجتماعات روستایی و خانواده پیوسته برای سازماندهی یک نظام اجتماعی کارکردی تلاش کرده اند که مبنی بر خودمختاری هر گروه، نظم و انضباط جمعی و سعه صدر متقابل است (بالدوین^۱، ۲۰۱۲: ۵۷). نظام کاستی مانع از تحرک مردم از یک شغل به دیگر بود. موکرجی^۲ معتقد است کاست‌ها و خانواده پیوسته به اعضای منفرد هر گروه درباره محافظت از آن‌ها اطمینان خاطر داده و به همین دلیل سازمان اجتماعی کاستی که قواعد خشک رفتار را بر افراد در تمام مراحل روابط انسانی تحمیل می‌کنند، هنوز بر زندگی مردم مسلط است (اچ دی آر^۳، ۲۰۱۱: ۱۳۹).

ساختار خانواده در حال تغییر است و نظام خانواده پیوسته، که در آن رئیس خانواده قدرت مطلق را بر اعضای خانواده اعمال می‌کرد، به سوی خانواده هسته‌ای در حال تغییر است. شوتا در کتاب خود با عنوان خانواده هندی اشاره می‌کند که در اواخر دهه ۱۹۶۰ در اکثر بخش‌های هند همانند بسیاری بخش‌های جهان، روند فرهنگی شاهد تغییر چشمگیر از خانواده پیوسته به سوی خانواده هسته‌ای بوده است (شویتا^۴، ۲۰۰۹: ۲۰۵). برای قرن‌ها ازدواج‌های تنظیم شده در جامعه هند سنت بوده و حتی امروزه اکثریت هندی‌ها ازدواجشان توسط والدینشان یا اعضای مورد احترام جامعه برنامه‌ریزی می‌شود. در مطالعه‌ای که بنرجی و همکارانش در میان ۴۱۵۵۴ خانوار هندی در ۳۳ ایالت، در سال ۲۰۰۵ انجام دادند، مشاهده شد که اکثر ازدواج‌ها با رضایت زوج‌ها تنظیم شده است. درصد ازدواج‌های تنظیم شده توسط خود زوج‌ها یا به قول هندی‌ها ازدواج‌های عاشقانه به ویژه در مناطق شهری هند در حال افزایش است (بنرجی^۵، ۲۰۰۹).

-
1. Baldwin
 2. Mokerji
 3. HDR
 4. Shweta
 5. Banerji



ساختار قدرت در هند مردانه بود و زنان تا قبل از ازدواج از پدر و برادر و بعد از ازدواج از همسر اطاعت می‌کردند. «در خانواده زنان در حضور دیگران و حتی فرزندان با همسر خود صحبت نمی‌کردند و از محبت کردن آشکار به همسر پرهیز می‌شد. همدلی فردی، نزدیکی، وفاداری و وابستگی متقابل به زندگی در خانواده بسیار مهم بود» (میشرا^۱، ۲۰۰۶: ۳۰۶). محدودیت زنان در تمام جنبه‌های زندگی هندی مشهود بود. زنان در مجامع عمومی ظاهر نمی‌شدند و خرید خانه با مردان بود. با وجود پیشرفت در حیطه‌های مربوط به زنان، بسیاری از مشکلات هنوز هم باقی است. «قوانین شرعی و هر یک از ادیان خاص هند، که اغلب در تضاد با قانون اساسی هند است، موجب از بین بردن حقوق و اختیارات زنان هندی از نظر قانونی شده است» (دیسای^۲، ۱۹۹۴: ۱۶۵). فقر زنان و اشتغال در کارهای سنگین و رده پایین، ساعات کار طولانی و دستمزد کم از جمله تبعیض‌های شغلی علیه زنان است. «در مناطق روستایی و در بخش‌های قدیمی‌تر شهرها فقر زنان و دوری آن‌ها از امور اجتماعی بیش‌تر است و سنت‌ها بیش‌تر بر روابط اجتماعی با زنان سایه افکنده است» (دولت هند^۳، ۲۰۰۸).

تداوم نابرابری زنان گویای این واقعیت است که سهم زنان در تمام کشورهای در حال توسعه کم‌تر از مردان است. امروزه برآورد شده است که «هر ساله ۶ میلیون زن از دست می‌روند: ۲۳٪ هرگز متولد نمی‌شوند، ۱۰٪ در ابتدای کودکی از بین می‌روند، ۲۱٪ در سال‌های باروری جان خود را از دست می‌دهند و ۳۸٪ در سنین بالای ۶۰ سال می‌میرند» (لیند^۴، ۲۰۰۶: ۱۹۳). در چند دهه گذشته، سطح بهداشت و آموزش و پرورش زنان و دختران در کشورهای در حال توسعه تا حد زیادی بهبود یافته است، اما چنین پیشرفتی در فرصت‌های اقتصادی دیده نمی‌شود. «در دهه‌های گذشته در هند بهبودهایی در زندگی زنان صورت گرفته است، برای مثال، امید به زندگی زنان در حال افزایش است، بیش‌تر دختران به مدرسه می‌روند، تعداد بیش‌تری از زنان در مشاغل با دستمزد مشغول به کارند و بسیاری از قوانین برای حمایت از حقوق زنان تصویب شده‌اند، با این حال، شکاف جنسیتی همچنان باقی مانده است. موفقیت تمام اقشار زنان در مشارکت در فرایندهای تصمیم‌گیری اندک است و قوانین مرتبط با حقوق

1. Mishra
2. Desai
3. Government of India
4. Lind

زنان در مالکیت بر زمین و اموال دیگر نیز ضعیف عمل کرده است» (یوان اف پی ای، ۲۰۰۹). برابری حقوق زنان از اصول اولیه حقوق بشر است و قبل از هر چیز آن‌ها خواهان این هستند که به عنوان انسان پذیرفته شوند و به عنوان یک فرد در نظر گرفته شوند که تنها تحت فرمان خود است و همه منابع فیزیکی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و معنوی به همان اندازه در دسترس مردان است در دسترس او نیز باشد. در هند با جامعه‌ای در حال گذار مواجه هستیم که از یک سو هنوز سنت‌ها بر امور مربوط به زنان مسلط است و از سوی دیگر، پیشرفت‌های اقتصادی-اجتماعی این کشور در دهه‌های گذشته، نیاز به حضور زنان به عنوان نیمی از جمعیت و با حقوق و امتیازات برابر با مردان را ضروری می‌کند و این سؤال را مطرح می‌کند که در فرایند تغییرات وسیع اقتصادی، فنی، سیاسی و اجتماعی در جامعه چند فرهنگی هند الگوی نقش اجتماعی زنان چه تغییراتی را تجربه کرده است؟

در این مطالعه هدف اصلی ما شناخت روند تغییر الگوی نقش اجتماعی زنان هند طی سه دهه گذشته با تأکید بر متغیرهایی چون وضعیت آموزش، الگوهای ازدواج و شیوه‌های همسرگزینی، ساختار خانواده، روند تغییر اقتدار زنان، روند تغییر مشارکت اجتماعی زنان، روند تغییر الگوهای پوشش زنان، روند تغییر الگوی جامعه‌پذیر کردن دختران، روند تغییر سهم زنان در بازار کار و مشاغل و روند امحاء خشونت علیه زنان با استناد به تصویر زنان در فیلم‌های سینمایی سه دهه گذشته در هند است. مرور مطالعات پیشین نشان می‌دهد که در سینمای هند دیدگاه سنتی درباره جنسیت حاکم است و این امر در تقسیم نقش‌ها در خانواده و بر اساس جنسیت مشهود است. در این رسانه‌ها نقش‌های مادر، همسر و زن خانه‌دار عقیف و فداکار برای خانواده به عنوان مهم‌ترین نقش زن و نان‌آوری به عنوان مهم‌ترین نقش مرد به تصویر کشیده شده است. در سینما و تلویزیون هند عقاید قالبی جنسیتی حاکم است و زنان در نقش‌های محدود و شانس‌های محدود و مردان در طیف متنوعی از نقش‌ها و فعالیت‌ها نشان داده شده‌اند (ساروی، دی پائولا، ۲۰۰۰؛ شندورنیکار، ۲۰۱۲؛ جوزف و شارما، ۱۹۹۴؛

-
1. UNFPA
 - 2 Sarvay & De Pauli
 - 3 Shendurnikar
 - 4 Joseph& Sharma



گوکلسین و دیسانایاک^۱ (۱۹۹۸). بسیاری از مطالعات حاکم بودن عقاید قالبی جنسیتی بر سلسله مراتب اقتدار در خانواده هندی را با تأکید بر اقتدار مرد و فرماندهی او و اطاعت زن و تأکید بر تأثیر منفی اشتغال زن بر خانواده نشان داده‌اند (چاکراورتی^۲، ۲۰۰۲؛ چاترجی^۳، ۲۰۰۲؛ داتا^۴ و همکاران، ۲۰۰۰؛ گندهی^۵، ۲۰۱۰: ۸۴؛ هجرا^۶، ۲۰۰۱، میرساردو و همکاران، ۱۳۸۳: ۲۱). در برخی از تحقیقات نیز آمده است که در سینما و تلویزیون هند غالب بودن حیطة خصوصی برای زنان و حیطة عمومی برای مردان از ویژگی‌های این رسانه‌هاست. در بسیاری از فیلم‌ها استفاده از برهنگی زنان، شیئی شدن زن، استفاده از زنان در صحنه‌های مبتذل و صورت‌انگاری به عنوان ابزار قدرت آن‌ها به تصویر کشیده شده است (رادهاکریشنان^۷، ۲۰۰۱؛ بنریا^۸، ۱۹۹۶؛ برتل و کنتور^۹، ۲۰۰۰: ۷۱-۸۲؛ باچی^{۱۰}، ۱۹۹۶: ۲۳۴).

در پاسخ به سؤال اصلی پژوهش، از دیدگاه ساختارگرایی بوردیو درباره تغییر الگوهای اجتماعی استفاده شده است. در دیدگاه بوردیو تغییر در ساختارهای اجتماعی، موجب تغییر در اندیشه و نگرش نسبت به نقش‌های زنان و مردان می‌شود. او معتقد است که نهادهای اجتماعی تولیدکننده نگرش‌های جنسیتی هستند و هر قدر این نهادها نگرش‌های سنتی درباره نقش‌های زنان را بیش‌تر تشویق و بازتولید کنند به همان اندازه جامعه نیز از آن‌ها استقبال خواهد کرد. اصل تمایز جنسیتی توسط ترتیبات و تمایلاتی برنامه‌ریزی می‌شوند که به عنوان اصولی طبیعی خود را تحمیل می‌کنند، بازتولید و توسط زبان، معرفت عامیانه و هرآنچه که جامعه اعطا می‌شوند. با توجه به این، دولت، کلیسا و مدرسه نهادهایی هستند که اصل تمایز جنسی را که قبلاً خانواده بازتولید می‌کرد، تداوم بخشیده و باز تأیید می‌کنند (بوردیو^{۱۱}، ۲۰۰۱: ۱۳۳ - ۱۳۷).

1 Gokulsing&Dissanayake

2 Chakravorty

3. Chatterjee

4. Datta

5. Gandhi

6. Hajra

7. Radhakrishnan

8. Beneria

9. Bretl & cantor

10. Bagchi

11. Bourdieu

به اعتقاد بوردیو روابط سلطه تنها در عرصه خصوصی یعنی خانه قابل مشاهده نیست، بلکه در مکان‌هایی از قبیل مدرسه یا دولت، به عنوان مکان‌هایی برای تدوین و تحمیل اصول سلطه کارکرد دارند که حتی در خصوصی‌ترین جهان اعمال می‌شود (همان ۱۳۹). به اعتقاد او این نوعی خشونت نمادین است که منبعث از نابرابری مشروع میان زنان و مردان است. او معتقد است به رغم کوچک شدن اندازه خانواده مشاهده می‌شود که نقش‌های زنان و مردان عمدتاً منبعث از ساختار جامعه است. هر قدر ساختارهای جامعه از سلطه مردانه بیش‌تر فاصله داشته باشند به همان نسبت نابرابری در تقسیم جنسی نقش‌ها کم‌تر است (همان ۱۴۹-۱۵۱).

روش پژوهش

این مطالعه از نوع اسنادی و روش مطالعه کتابخانه‌ای بود. با توجه به اینکه منبع مورد مطالعه در این پژوهش فیلم‌ها بودند، ابزار جمع‌آوری داده‌های مربوط به سؤالات پژوهش تحلیل محتوای کمی فیلم‌ها بود. در این پژوهش نخست مقولات اصلی مشخص شده، سپس شاخص‌های هر مقوله شناسایی، کدگذاری و شمارش شدند. هر فیلم واحد فحوا یا زمینه است و واحدهای ثبت کلمات، عبارات، مضامین، ژست‌ها و حرکات فرا زبان هستند. واحد ثبت و شمارش یکیست. در این پژوهش جامعه آماری کلیه فیلم‌های تولید شده از ژانویه ۱۹۸۱ تا ژانویه ۲۰۱۱ در کشور هند بود که جمعاً ۳۶۱۳ فیلم بود. نمونه مورد مطالعه دو فیلم برای هر دهه است که با توجه به در دست بودن فهرست کلیه فیلم‌های هر دهه با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده و انتخاب براساس جدول اعداد تصادفی برای دهه اول فیلم‌های ادویه و سه قسم، برای دهه دوم فیلم‌های ساجان و مامو و برای دهه سوم فیلم‌های خواسته دل و تهذیب بررسی شدند. با توجه به بالا بودن میزان فیلم‌ها قاعدتاً باید تعداد نمونه بیش‌تری انتخاب می‌شد، اما با توجه به هزینه زمان و هزینه نیروی انسانی برای تحلیل محتوای تعداد بیش‌تر فیلم‌ها تنها ۶ فیلم و جمعاً ۱۰۸۰ دقیقه فیلم تحلیل محتوا شده است. مقولات پژوهش عبارت هستند از ساختار خانواده، حیطه‌های عمومی و خصوصی، اشتغال، شیوه‌گزینش همسر، شیوه جامعه‌پذیری، الگوی پوشش، مشارکت اجتماعی، اقتدار و خشونت. این متغیرها با شاخص‌های زیر اندازه‌گیری شدند:

۱. ساختار خانواده: با مقیاس اسمی و شاخص‌های خانواده گسترده، هسته‌ای، تک



والدینی با سرپرستی مادر و تک والدینی با سرپرستی پدر اندازه‌گیری شد.

۲. **نوع گزینش همسر و ازدواج:** با مقیاس اسمی شامل گزینه‌های ازدواج تنظیم شده توسط والدین، انتخاب همسر توسط خود دختران و انتخاب همسر با انتخاب خود و مشورت خانواده اندازه‌گیری شد.

۳. **الگوی جامعه‌پذیر کردن دختران:** با مقیاس اسمی دو درجه‌ای شامل سنتی و مدرن که هر یک با شاخص‌های زیر اندازه‌گیری شدند:

الف- الگوی جامعه‌پذیر کردن سنتی: اعمال الگوهای اطاعت از والدین، آماده کردن برای ازدواج زودرس، عدم اهمیت به تحصیل، اعمال الگوی هنجارسازی اطاعت از همسر، اعمال الگوی هنجارسازی تحمل خشونت و سکوت در برابر آن، آماده کردن به عنوان مادر و همسر فداکار و وفادار، تفکیک حوزه عمومی و خصوصی و آماده کردن برای فعالیت در حوزه خصوصی

ب- الگوی جامعه‌پذیر کردن مدرن: احترام به حقوق برابر دختر و پسر، احترام متقابل بین والدین و فرزندان، اهمیت قائل شدن برای نظر و عقیده فرزندان، توجه به تحصیلات دختران، ترسیم آینده شغلی برای دختران و آماده‌سازی برای آن، عدم تفکیک حوزه عمومی و خصوصی و آماده‌سازی برای هر دو، آموزش الگوی آزاد بودن در انتخاب همسر و درعین حال راهنمایی و مشورت با فرزند.

۱. **نوع پوشش با مقیاس اسمی:** لباس سنتی هندی، لباس غربی اندازه‌گیری شد.

۲. **نوع عرصه:** با مقیاس اسمی دو درجه‌ای خصوصی و عمومی اندازه‌گیری شد:
الف: عرصه خصوصی: خانه

ب: **عرصه عمومی:** دانشگاه، مدرسه، محل کار، مراکز هنری، مراکز ورزشی، رستوران، مرکز خرید، کافی شاپ، سینما و پارک

۱. **اقتدار:** برای سنجش میزان اقتدار زنان در فیلم‌های مورد مطالعه از شاخص

تصمیم‌گیرنده نهایی با مقیاس اسمی و گویه‌های زیر استفاده شد: خرید ملک، خرید ماشین، انتخاب نام فرزندان، خرید لوازم منزل، خرید جواهرات، رفتن به مسافرت، رفتن به مهمانی، دادن مهمانی، انتخاب مدرسه فرزندان، خریدهای عادی روزمره

۲. **خشونت یا تهدید به خشونت:** با مقیاس اسمی دو درجه‌ای بلی و خیر اندازه‌گیری شد.

۳. **انواع خشونت:** با مقیاس اسمی چهار درجه‌ای شامل خشونت‌های جسمانی، روانی، جنسی و اقتصادی اندازه‌گیری شد.

الف - جسمانی: کتک‌زدن، هل‌دادن، با دست ضربه زدن، پرت کردن اشیاء نوک تیز، چاقو زدن، از جای بلند پرت کردن، با اسلحه آسیب رساندن، سوزاندن، مجبور کردن به سقط جنین، عدم کمک و یاری به هنگام حوادث

ب- روانی: توهین و تحقیر، زندانی کردن برای ترساندن، کنترل رفت و آمد، کنترل مکالمات، محدود کردن یا ممنوع کردن رفت و آمدها، محدود یا ممنوع کردن مکالمات، تهدید با چاقو، تهدید به طلاق، تهدید با اسلحه، تهدید به محروم کردن از دیدن فرزندان، بی‌توجهی و صحبت نکردن، برقراری ارتباط با زنان دیگر، ندادن خرجی، بی‌توجهی به نیازهای جنسی همسر.

پ- جنسی: رابطه جنسی اجباری توسط همسر، مجبور شدن به رابطه جنسی با دیگران توسط همسر، تقاضای رابطه جنسی غیر متعارف توسط همسر، مورد تجاوز قرار گرفتن در محل کار توسط همکاران یا کارفرما، تقاضای سوء استفاده جنسی توسط کارفرما و تهدید به اخراج در صورت عدم انقیاد، مورد سوء استفاده جنسی قرار گرفتن در جامعه.

ت- اقتصادی: وادار به گدایی کردن، وادار به خرید و فروش مواد مخدر کردن، وادار به خودفروشی کردن، وادار به دزدی کردن، زن را خلاف میل او وسیله کلاهبرداری قرار دادن. برای سنجش اعتبار ابزار، مقولات را سه متخصص داوری کردند و مقولات مورد توافق مطالعه شد. مقولات به شرطی به عنوان معتبر پذیرفته می‌شوند که سنجه درصد توافق ۸۵٪ یا بیش‌تر باشد. در این مطالعه درصد توافق ۹۵ بود. برای سنجش میزان پایایی ۳۰ دقیقه از هر فیلم توسط دو کدگذار به‌طور جداگانه کدگذاری شد و با استفاده از آزمون آلفا کریپیندورف ضریب پایایی سنجه شد و ضریب پایایی تمام شاخص‌ها بین ۰/۸۵ تا ۰/۹۰ متغیر بود. در این مطالعه از آمارهای توصیفی، به صورت جداول یک بعدی و دو بعدی در ارائه تصویر الگوهای اجتماعی زنان در سه دهه و برای سنجش رابطه متغیرهای زمینه‌ای و مقولات اصلی پژوهش از آزمون‌های کای اسکوار، پیرسون، لامبادا و ضریب توافقی استفاده شد.



یافته‌های پژوهش

در این مطالعه ۶ فیلم به نام‌های سه قسم، ادویه، ساجان، ممو، خواسته دل و تهذیب مطالعه شدند. فیلم تهذیب مربوط به دهه سوم بیش‌ترین میزان صحنه‌هایی را داشت که زنان در آن نشان داده شده‌اند، در حالی که فیلم سه قسم مربوط به دهه اول کم‌ترین صحنه‌های حضور زنان را به خود اختصاص داده است. اکثر زنان بازیگر در این فیلم‌ها جوان و نزدیک به نیمی از آن‌ها متأهل بودند. در فیلم‌های دهه اول حدود سه پنجم زنان بی‌سواد، در فیلم‌های دهه دوم حدود سه پنجم دارای تحصیلات غیر دانشگاهی و در دهه سوم از کل صحنه‌ها تنها ۷ صحنه زن بی‌سواد را به تصویر کشیده‌اند. براساس داده‌ها اکثر زنان بیکار و ساختار خانواده عمدتاً هسته‌ای و تک فرزندی است.

داده‌های مربوط به سؤالات پژوهش حاکی از آن است که:

در فیلم‌های سه دهه مورد مطالعه، ساختار خانواده هسته‌ای در جامعه هند مشاهده می‌شود که نزدیک به نیمی از خانواده‌ها تنها دارای یک فرزند هستند، کمی بیش از یک سوم خانواده‌ها دارای دو فرزند و کم‌تر از یک پنجم فاقد فرزند هستند. یافته‌های رگرسیونی حاکی از وجود همبستگی بین تحصیلات مادران و تعداد فرزندان است. سهم زنان در عرصه‌های عمومی و خصوصی در فیلم‌های مورد مطالعه حاکی از آن است که در دهه اول و دوم حضور زنان در عرصه عمومی با اندکی تفاوت بیش از عرصه خصوصی است، در حالی که در دهه سوم بیش از نیمی از زنان در عرصه خصوصی یعنی خانه نشان داده شده‌اند. نوع فعالیت زنان در عرصه خصوصی عمدتاً خانه‌داری، تربیت فرزندان و همسر داری است در حالی که مهم‌ترین فعالیت زنان در عرصه عمومی در وهله اول حضور در مراکز تفریحی، سپس محل کار و در مرحله سوم در مراکز خرید است. نتایج آزمون کای اسکوار و ضریب توافقی نشان می‌دهد که بین سن، وضعیت آموزش، وضع تاهل زنان و عرصه حضور زنان رابطه معنادار وجود دارد (جدول ۱).

جدول ۱: نتایج آزمون کای اسکوار مربوط به سن، تحصیلات، وضع تأهل و نوع عرصه حضور زنان

نمونه معتبر	پیوستگی خطی			نسبت برازش			پیرسون کای اسکوار			
	sig	df	مقدار	Sig	df	مقدار	Sig	df	مقدار	
۳۰۱	۰,۰۰۰	۱	۳۳,۲۱۸	۰,۰۰۰	۴	۴۹,۸۶۴	۰,۰۰۰	۴	۴۳,۸۶۰	سن و عرصه حضور زنان
۲۹۸	۰,۰۰۰	۱	۳۲,۰۹۵	۰,۰۰۰	۳	۵۴,۱۹۵	۰,۰۰۰	۳	۴۱,۹۸۶	تحصیلات و عرصه حضور
۲۹۹	۰,۰۰۰	۱	۳۲,۰۹۵	۰,۰۰۰	۳	۵۴,۱۹۵	۰,۰۰۰	۳	۵۰,۰۸۵	وضع تأهل و عرصه

نتایج مربوط به روند تغییر الگوهای ازدواج و شیوه همسرگزینی زنان طی سه دهه گذشته نشان می‌دهد که در دهه اول کل ازدواج‌ها به صورت تنظیم شده، در دهه دوم توسط خود فرزندان در حالی که در دهه سوم گزینش همسر عمدتاً از نوع تنظیم شده و توسط خود زوجین است و در حدود ۱۰٪ به صورت ترکیبی از هر دو نوع است. شیوه گزینش همسر با متغیرهایی چون سن، تحصیلات و نوع جامعه‌پذیری در رابطه است. از بین همه متغیرها، شیوه جامعه‌پذیری، تحصیلات فرزندان و شیوه گزینش همسر رابطه معنادار قوی‌تری نشان داده‌اند (جدول ۲).

جدول ۲: نتایج آزمون رابطه سطح تحصیلات، سن، شیوه جامعه‌پذیری و شیوه انتخاب همسر

گودمن و کروسکال تائو			لامبادا			لامبادا (مقارن)					
Sig.	ES	مقدار	Sig.	مقدار تقریبی t	ES	مقدار	Sig.	مقدار تقریبی t			
۰,۰۰۰	۰,۰۶۱	۰,۳۳۲	۰,۰۰۰	۵,۳۰۹	۰,۰۶۹	۰,۴۴۲	۰,۰۰۰	۵,۳۰۹	۰,۰۳۳	۰,۳۰۷	تحصیلات و گزینش همسر
۰,۰۰۰	۰,۰۶۶	۰,۳۱۰	۰,۰۰۰	۴,۵۸۶	۰,۰۶۶	۰,۳۴۶	۰,۰۰۰	۴,۵۸۶	۰,۰۳۶	۰,۲۵۷	سن، گزینش همسر
۰,۰۰۰	۰,۰۶۱	۰,۳۳۲	۰,۰۰۰	۵,۳۰۹	۰,۰۶۹	۰,۴۴۲	۰,۰۰۰	۵,۳۰۹	۰,۰۳۳	۰,۳۰۷	شیوه جامعه‌پذیری و گزینش همسر

داده‌های مربوط به روند تغییر الگوهای پوشش زنان طی سه دهه گذشته نشان می‌دهد که در دهه اول پوشش کلیه زنان سنتی و در دهه دوم سه پنجم دارای پوشش سنتی و بقیه دارای پوشش غیر سنتی و در دهه سوم بیش از نیمی از زنان نشان داده شده در فیلم‌ها دارای پوشش



غربی هستند. وقتی رابطه این متغیر با متغیرهای سن، تحصیلات، وضع تأهل و شیوه جامعه‌پذیری و الگوی پوشش را آزمون می‌شود، یافته‌ها نشان داد هر قدر سطح آموزش بالاتر باشد و شیوه جامعه‌پذیری از شیوه‌های سنتی فاصله گیرد، نوع پوشش نیز از شیوه‌های پوشش سنتی فاصله گرفته و به سمت غربی شدن گرایش پیدا می‌کند (جدول ۳ و ۴).

جدول ۳: نتایج آزمون رابطه سطح تحصیلات و نوع پوشش

گودمن و کروسکال تائو			لامبادا			لامبادا(متقارن)		
Sig.	ES	مقدار	Sig.	مقدار تقریبی t	ES	Sig.	مقدار تقریبی t	ES
۰,۰۰۰	۰,۰۴۰	۰,۷۹۳	۰,۰۰۰	۱۲,۷۳۵	۰,۰۳۱	۰,۰۰۰	۱۰,۹۵۷	۰,۰۳۸

تحصیلات و پوشش

جدول ۴: نتایج آزمون کای اسکوار مربوط به سن، تحصیلات، وضع تأهل و نوع عرصه حضور زنان

نمونه معتبر	پیوستگی خطی		نسبت برازش		پیرسون کای اسکوار	
	sig	Df	Sig	df	Sig	df
وضع تأهل و نوع پوشش	۰,۰۰۰	۱	۰,۰۰۰	۳	۰,۰۰۰	۳
شیوه جامعه‌پذیری و نوع پوشش	۰,۰۰۰	۱	۰,۰۰۰	۲	۰,۰۰۰	۲

داده‌های حاصل از مطالعه درباره روند تغییر الگوی جامعه‌پذیر کردن دختران طی سه دهه گذشته نشان می‌دهد که در دهه اول در تمام صحنه‌های مورد مطالعه، جامعه‌پذیرسازی دختران به شیوه سنتی مشاهده می‌شود. در حالی که در دهه دوم از شیوه سنتی جامعه‌پذیری فاصله گرفته شده و حدود نیمی از صحنه‌ها نشان‌دهنده شکل جامعه‌پذیرسازی مدرن است. یافته‌های مربوط به دهه سوم نشان می‌دهد که بیش از چهارپنجم شاخص‌های مربوط به جامعه‌پذیری گویای اعمال شیوه‌های جامعه‌پذیرسازی دختران به سبک مدرن و تنها در ۴,۵٪ صحنه‌ها مربوط به شیوه‌های جامعه‌پذیرسازی سنتی است. رابطه ساختار خانواده و شیوه جامعه‌پذیرسازی آزمون شد، نتایج آزمون نشان داد که بین این دو متغیر رابطه معنادار وجود دارد (جدول ۵).

جدول ۵: نتایج آزمون کای اسکوار مربوط به ساختار خانواده و شیوه جامعه‌پذیری

نمونه معتبر	پیوستگی خطی			نسبت برازش			پیرسون کای اسکوار		
	sig	Df	مقدار	sig	df	مقدار	Sig	df	مقدار
۲۱۵	۰,۰۱۸	۱	۵,۵۵۶	۰,۰۰۰	۶	۴۶,۰۴۶	۰,۰۰۰	۶	۳۴,۸۰۶

ساختار خانواده و شیوه جامعه‌پذیری

یافته‌های مربوط به اقتدار زنان حاکی از آن است که زنان از میزان اقتدار متفاوتی بهره‌مند هستند. براساس داده‌های جدول، در کل ۴۷,۳٪ زنان نشان داده شده در فیلم‌های مورد مطالعه از اقتدار بالا و ۳۹,۶٪ آن‌ها از اقتدار متوسط و ۱۱,۲٪ از اقتدار پایین و بقیه فاقد اقتدار بوده‌اند. با توجه به اینکه میزان اقتدار زنان می‌تواند با عوامل متعددی در ارتباط باشد، متغیرهای وضع اشتغال زنان، استقلال اقتصادی آن‌ها و نوع جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کردند و میزان اقتدار آن‌ها با آزمون گاما در رابطه قرار داده شد و معناداری رابطه این متغیرها با متغیر اقتدار آزمون شد. نتایج آزمون نشان داد که به ترتیب وضع اشتغال، نوع جامعه و سطح آموزش با اقتدار زنان بیش‌ترین میزان رابطه معنادار را دارند. نوع جامعه با اقتدار زنان رابطه معکوس نشان داد (جدول ۶).

جدول ۶: نتایج آزمون رابطه وضع اشتغال، استقلال اقتصادی و اقتدار زنان

تعداد نمونه معتبر	گاما			مقدار	وضع اشتغال و اقتدار
	Sig.	مقدار تقریبی t	ES		
۲۵۵	۰,۰۰۰	۷,۷۰۴	۰,۰۷۳	۰,۶۳۵	وضع اشتغال و اقتدار
۲۴۰	۰,۰۰۰	۲۱,۸۰۳	۰,۰۱۰	۰,۹۹۷	استقلال اقتصادی و اقتدار
۲۵۹	۰,۰۰۰	-۷,۲۷۸	۰,۰۶۶	-۰,۷۳۹	نوع جامعه و اقتدار

داده‌های مربوط به میزان مشارکت زنان در حرکت‌های اجتماعی همچون مبارزه برای امحاء خشونت علیه زنان، مبارزه برای حقوق زنان، فعالیت‌های مربوط به محیط زیست، مبارزه علیه ایدز و مانند آن‌ها نشان داد که تنها در دهه اول شاهد همبستگی زنان علیه سوء استفاده جنسی



زنان هستیم. مقایسه یافته‌های مربوط به روند تغییر امحاء خشونت در سه دهه حاکی از سیر نزولی اعمال خشونت علیه زنان است. در هنگام بررسی نوع خشونت در سه دهه، مشاهده شد که در دهه اول هر سه نوع خشونت علیه زنان اعمال شده و در بین انواع خشونت‌ها، خشونت جنسی بالاترین میزان را به خود اختصاص داده است. در دهه دوم خشونت فیزیکی بالاترین میزان را داشته و در دهه سوم تنها ۲۰٪ از کل خشونت‌ها را به خود اختصاص داده است. مطالعه مکان‌های اعمال خشونت در سه دهه نشان می‌دهد که در دهه اول خانه و محل کار و در دهه دوم و سوم خانه مهم‌ترین مکان اعمال خشونت بوده است.

بحث و نتیجه‌گیری

توسعه در نقاط مختلف جهان و به شیوه‌های مختلف بر مردم تأثیر می‌گذارد و بسته به اینکه زن یا مرد هستند اثرات آن متفاوت است. زنان نیمی از جامعه را تشکیل می‌دهند و با مردان در زندگی اقتصادی نقش برابر دارند. با این حال نقش این زنان در تولید کالا و خدمات، در جامعه با سلطه مردانه هند همانند سایر کشورهای در حال توسعه به رسمیت شناخته نمی‌شود. در این جامعه نقش زنان در توسعه نادیده گرفته می‌شود و خانه مهم‌ترین محل حضور آن‌ها در نظر گرفته می‌شود. در مطالعه حاضر سعی شد تصویری از وضعیت زنان در هند برپایه نمونه‌ای از فیلم‌های نمایش داده شده در سه دهه گذشته در هند بررسی شود. نتایج پژوهش نشان داد که:

الف- اکثر زنان نشان داده شده در فیلم‌ها فاقد درآمد یا اموال شخصی هستند و زنان دارای درآمد، اکثراً درآمد پایین یا متوسط دارند. نتایج پژوهش با وضعیت واقعی زنان هند در این زمینه همخوانی دارد. «در گذشته زنان فاقد هرگونه حقوقی بودند و از پدر، برادر، همسر و پسر خود اطاعت می‌کردند. بعد از تصویب قوانین و بعد از استقلال هند از استعمار، زنان توانستند از زمین و سایر اموال ارث ببرند و برطبق قانون از حقوق مساوی با مردان بهره‌مند شوند. به‌رغم تصویب قوانین مشاهده می‌شود که بسیاری از زنان از داشتن شغل یا حقوق برابر در محل کار محروم هستند، دستمزد کم‌تری در مقایسه با مردان دریافت می‌کنند و از بسیاری از حقوق محرومند» (دسی^۱، ۱۹۹۴).

ب- داده‌های مطالعه نشان می‌دهد که زنان هم در عرصه‌های عمومی هم در عرصه‌های خصوصی نشان داده شده‌اند. اکثر زنان در حیطه خصوصی به عنوان زن خانه‌دار، دارای همسر و فرزند به تصویر کشیده شده‌اند. مهم‌ترین فعالیت زنان در حیطه خصوصی خانه‌داری شامل آشپزی، نظافت منزل، شستشوی لباس و ظروف، مادری و مراقبت از فرزندان و همسر داری است. مطالعات در دنیای واقعی هند نیز حاکی از فقدان تمایل جامعه هند به حضور زنان در عرصه عمومی به‌ویژه محیط کار است. براساس نتایج پژوهش‌ها وجود زنان کارگر در کارخانجات هم تهدید جنسی و هم تهدید اجتماعی برای اجتماع محسوب می‌شوند و به همین منظور وقتی مردی بازنشسته می‌شود یا فوت می‌کند بستگان مرد او، شغل او را به ارث می‌برند (فرناندز^۱، ۱۹۹۷).

پ- نتایج مطالعه حاکی از تغییر الگوی نگرش نسبت به آموزش زنان است، با این حال داده‌های حاصل از مطالعات در دنیای واقعی، مربوط به سهم آموزش زنان در هند نشان می‌دهد که نرخ آموزش زنان کم‌تر از مردان است. پیمایش‌های ملی درباره وضعیت زنان در هند، شامل آمارهای باسوادی زنان، تعداد سال‌هایی که به مدرسه رفته‌اند نشان‌دهنده نسبت کم‌تر نرخ باسوادی زنان در مقایسه با مردان در هند است (میوکوپادھیای^۲، ۱۹۹۴).

ت- داده‌های مربوط به میزان اشتغال زنان حاکی از سهم اندک زنان در مشاغل، پایین بودن میزان ارتقاء شغلی و اشتغال در سطوح مدیریتی در جامعه هند است. زنان در هیچ منصب دولتی یا خصوصی به عنوان مدیر، قاضی، استاد دانشگاه، سناتور، وزیر یا حتی مدیریت در سطوح میانی مشاهده نمی‌شود. آمارهای واقعی جامعه هند با این نتایج همخوان است. بر طبق گزارش آی ال او در ۲۰۱۳، نرخ مشارکت زنان در بازار کار از ۳۷٪ در سال ۲۰۰۴-۲۰۰۵ به ۲۹٪ در ۲۰۰۹-۲۰۱۰ کاهش یافته است. در همین گزارش آمده است که در بین ۱۳۱ کشور که داده‌های مربوط به اشتغال زنان در آن‌ها موجود بود، هند در رابطه با مشارکت نیروی کار زنان از آخر رتبه ۱۱ را به خود اختصاص داده است (آی ال او^۳، ۲۰۱۳). در مطالعه حاضر زنان در هیچ دهه‌ای در مشاغل مدیریتی نشان داده نشده‌اند و خوانندگی تنها شغل مهمی که در هر سه دهه بارز بود. وقتی وضعیت زنان در جامعه واقعی هند بررسی می‌کنیم، مشاهده می‌شود که

1. Fernands
2. Mukhopadhyay
3. ILO



وضعیت زنان در جامعه واقعی هند بسیار متفاوت و بهتر از آن چیزیست که در فیلم‌های مورد مطالعه به تصویر کشیده شده است. در هند زنان برای پارلمان و مناصب حکومتی سهمیه دارند، باونانی معتقد است « اگر سهمیه بندی وجود نداشت احزاب حقوق زنان را پایمال می‌کردند. در بمبئی به دلیل سهمیه زنان در انتخابات هر زن ۵ برابر بیش از زمانی که این قانون تصویب نشده بود شانس برنده شدن در انتخابات مجلس را دارد» (باونانی^۱، ۲۰۰۹: ۲۳-۳۵).

ث- داده‌های پژوهش حاضر حاکی از آن هست که در هر سه دهه خانواده هسته‌ای، خانواده غالب در فیلم‌های نشان داده شده بود و در هر سه دهه یا خانواده‌ها فاقد فرزند بودند یا تنها یک فرزند داشتند. مقایسه این خانواده‌ها با ساختار خانواده در گذشته نشان می‌دهد که برنامه‌های تنظیم خانواده در هند توانسته تأثیر مثبتی بر ساختار خانواده داشته و آن را به سمت هسته‌ای شدن سوق دهد. سایر مطالعات نیز این را اثبات کرده‌اند. سین‌ها در کتاب خود درباره خانواده هندی به تغییر ساختار خانواده در ۶۰ سال گذشته اشاره می‌کند. او می‌نویسد « روند فرهنگی در اکثر بخش‌های هند همانند دیگر بخش‌های جهان نشان دهنده تغییر خانواده از پیوسته به هسته‌ای است. در دهه ۱۹۹۰٪ اندکی از خانوارهای هندی دارای خانواده پیوسته بودند و این خانواده‌ها درآمد سرانه پایین‌تری داشتند. با این حال، او اشاره می‌کند که در بعضی بخش‌های هند در شرایط خاص، بعضاً به علت سنت‌های فرهنگی و عوامل عملی هنوز خانواده پیوسته مقاومت می‌کند (سینها^۲، ۱۹۹۳).

ج- داده‌های مطالعه درباره شیوه گزینش همسر در هند حاکی از نوعی بازگشت‌پذیری به سوی ازدواج‌های تنظیم شده است. مطالعه بانرجی و همکارانش درباره شیوه‌های گزینش همسر در هند نیز نشان داد که کاست‌های طبقه متوسط هنوز به معیارهای کاستی در انتخاب همسر برای فرزندان توجه می‌کنند (بانرجی^۳ و همکاران، ۲۰۰۹).

چ- داده‌های مربوط به شیوه جامعه‌پذیری فرزندان به ویژه فرزندان دختر در مطالعه حاضر نشان می‌دهد که در دهه اول در هر دو فیلم به ویژه در فیلم ادویه شیوه جامعه‌پذیری دختران سنتی است، در حالی که در دهه دوم و سوم می‌توان در کنار جامعه‌پذیری به شیوه سنتی

-
1. Bhavnani
 2. Sinha
 3. Banerjee

جامعه‌پذیری ترکیبی یعنی سنتی و مدرن را مشاهده کرد.

ح- داده‌های حاصل از مطالعه نشان می‌دهد که در فیلم‌های ساخته شده در دهه اول تمامی زنان ایفاکننده نقش، پوشش سنتی هندی به تن داشتند، در حالی که در فیلم‌های دو دهه بعد برای نسل جوان این پوشش تغییر کرده و به جز در مراسم ازدواج شاهد پوشش سنتی هندی نیستیم. در همین فیلم‌ها زنان میانسال پوشش هندی دارند، در حالی که نسل جوان دارای الگوی پوشش غربی از لباس‌های شنا گرفته تا لباس‌های مهمانی به سبک غیر هندی هستند.

خ- داده‌های مربوط به اقتدار زنان نشان می‌دهد که میزان اقتدار زنان بر حسب عوامل متفاوت مثل تجرد و تأهل، سطح آموزش، وضع اشتغال متفاوت است. زنان متأهل بیش از زنان مجرد و زنان با سواد بیش از زنان بی‌سواد اقتدار دارند. زنان دارای تحصیلات دانشگاهی از میزان اقتدار بالایی بهره‌مند هستند، در حالی که زنان بی‌سواد تنها در امور جزئی دارای اقتدار هستند و به نظر آن‌ها توجه قرار می‌گیرد. داده‌های مربوط به نوع جامعه و اقتدار زنان نشان می‌دهد که میزان اقتدار زنان بر حسب نوع جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند، متفاوت است. زنان روستایی از اقتدار کم‌تر و در مقابل زنان شهری دارای اقتدار بالایی هستند.

د- داده‌ها حاکی از کاهش خشونت علیه زنان در هر دهه نسبت به دهه قبل و خشونت جنسی غالب‌ترین نوع خشونت علیه زنان است. در فیلم ادویه که نشان‌دهنده دوره حاکمیت استعمار انگلیس بر هندوستان است، شاهد اعمال خشونت جنسی توسط افسر انگلیسی نسبت به زنان روستایی و سکوت مردان روستا در مقابل این نوع رفتار او نسبت به زنان هستیم. وقتی یکی از زنان در مقابل افسر انگلیسی تن به رابطه جنسی نمی‌دهد، از جانب وی و سایر افرادی که برای او کار می‌کنند، این زن و بقیه زنان تهدید به مرگ می‌شوند. در دنیای واقعی خشونت علیه زنان در هند شکل جدیدی به خود گرفته است به طوری که دولت هند برای محافظت از زنان در مقابل تجاوز به دختران و زنان قانون جدیدی را در سوم می ۲۰۱۳ به تصویب رسانده است. این قانون به دنبال موارد متعدد تجاوز گروهی به دختران و زنان در جامعه هند به تصویب رسید که اعتراض گروه‌های مختلف هند را به دنبال داشت. این نشان می‌دهد که به رغم داده‌های حاصل از مطالعه مبنی بر کاهش خشونت شاهد نوع جدید و شکل جدیدی از خشونت علیه زنان در هند هستیم (<http://www.scoop.co.nz>).

مطالعات انجام شده در ایران حاکی از تفاوت در استقلال زنان در نقاط مختلف کشورمان



است و استقلال زنان اثرات مثبت فرهنگی و اجتماعی دارد. عباسی شوازی و صادقی (۱۳۸۵) در مطالعه‌ای که روی چهار استان منتخب در ایران انجام دادند به این نتیجه رسیدند که در استان‌هایی که زنان به سطح بالاتری از استقلال دست یافته‌اند (یزد و گیلان) در مقایسه با استان‌هایی که زنان سطوح پایین‌تری از استقلال را دارا هستند (آذربایجان غربی و سیستان و بلوچستان) نرخ باروری پایین‌تر است. در ایران نرخ مشارکت اقتصادی و مدیریتی زنان اندکی بهتر از هنداست، اما هنوز فاصله بسیار زیاد است. آخرین آمارهای اعلام شده از سوی مرکز آمار ایران نشان می‌دهد که تفاوتی فاحش بین نرخ مشارکت اقتصادی مردان و زنان در ایران وجود دارد، این نرخ برای مردان ۷۲/۹٪ و برای زنان ۱۸/۵٪ است. در عرصه‌های مدیریت و تصمیم‌گیری نیز وضعیتی نامناسب‌تر را شاهد هستیم، به طوری که تنها حدود ۵/۲٪ از مدیران کشور زن هستند و هرچه به سوی سطوح بالای مدیریتی می‌رویم این میزان کاهش می‌یابد و به ۱/۴٪ در سطوح مدیر کل و معاون دستگاه‌ها می‌رسد (مرکز آمار ایران ۱۳۸۵). مطالعات دربارهٔ زنان در عرصهٔ عمومی و خصوصی نشان می‌دهد که نگرش قلبی زن خانه‌دار، مادر و همسر همچنان بر بخش عظیمی از جامعه غالب است (گودرزی، ۱۳۸۹).

منابع

- عباسی شوازی، محمدجلال و رسول صادقی (۱۳۸۵). قومیت و باروری: تحلیل رفتار باروری گروه‌های قومی در ایران، *نامه علوم اجتماعی*، ۵: ۲۹.
- گودرزی، ثریا. (۱۳۸۹). *اثرات اشتغال زنان بر خانواده* (تحقیقی در بین زنان شاغل و متأهل وزارت کار و امور اجتماعی). پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات.
- مرکز آمار ایران (۱۳۸۵). *آمارهای سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۸۵*.
- میرساردو، طاهره.، صداقت، مستوره.، رختی، طاهره و بایابی، لیلیا (۱۳۸۳). *مقایسه منزلت و نقش اجتماعی زنان و مردان در سریال‌های تلویزیونی داخلی و خارجی*. تهران: مرکز تحقیقات صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران.
- Bagchi, A. (1996). *Women in Indian Cinema*. Retrieved March 5, 2012 from <http://www.cs.jhu.edu/~bagchi/women.html>.
- Baldwin, Katherine. (2012). "Canada best G20 country to be a woman, India worst – TrustLaw poll". Retrieved December 29, 2012 from www.trust.org.
- Banerjee, A; Duflo, E; M. Ghatak, and J. Lafortune. (2009). "Marry for What? Caste and Mate Selection in Modern India". *National Bureau of Economic Research Working Paper* 14958 (May): 135-146.
- Beneria, L; Bisnath, S. (1996). *Gender and Poverty: An Analysis for Action*. UNDP, New York.
- Bhavnani, Rikhil. (2009). Do Quotas Work after They Are Withdrawn? Evidence from a Natural Experiment in India. *American Political Science Review*, 103(1):23-35.
- Bourdieu, Pierre. (2001). *Masculine Domination*. Translated by Richard Nice. Stanford University Press: 133.
- Bretl, L. and cantor D. (2000). The Patriarcal system Prevails through Media. *Social Science*, 1-2: 71-82.
- Chakravorty, M. (2002). *Cinema and Society: Reflection of Patriarchal Values in selected Hindi Blockbusters*. Unpublished Masters Dissertation of the Faculty of Journalism & Communication. The M.S. University of Baroda.
- Chatterjee, Purvita. (2003). *The image of women in TV serials*. Stanford University Press: 133.
- Datta, S. (2000). *Globalization and Representations of Women in Indian Cinema*. *Social Scientist* 3/4 (March-April):71-82. Retrieved March 5, 2012 from www.jstor.org/stable/3518191?origin=JSTOR-pdf
- De Pauli, L. (2000). *Women's Empowerment and Economic Justice: Reflecting on Experience in Latin America and the Caribbean*. UNIFEM, New York.
- Desai, Sonalde. (1994). *Gender Inequalities and Demographic Behaviors: India*,

- New York, the Population Council, Inc.
- Fernands, Leela. (1997). beyond Public Spaces and Private Spheres: Gender, Family, and Working -Class Politics in India. *Feminist Studies* 30(autumn):45-57.
- Gandhi, Lee. (2010). *Postcolonial Theory: A Critical Introduction, Thirteen Impression*, Oxford, and New Delhi.
- Gokulsing, K & Dissanayake, W 1998 *Indian Popular Cinema: A Narrative of Cultural Change*. London: Trentham Books.
- Government of India.(2008). "*Eleventh Five Year Plan (2007-2012)*", Vol. II. New Delhi: Planning Commission.
- Hajra ,Iahi .(2001). Women should be portrayed in assertive roles on TV, DAWN. (HDR)Human Development Report; *Sustainability and Equity*.(2011). United Nations Development Programme: 139.
- ILO's Global Employment Trends 2013 report .Available at: <http://www.ilo.org/global/research/global-reports/global-employment-trends/2013>.
- Joseph, A., & Sharma, K. (1994).Whose News? The Media and Women's Issues 21. New Delhi: Sage Publications.
- Lind, Anna Maria.(2006). Struggle and Development: Approaching gender bias in Practical International Development Work". Orebro University.
- Mishra, R. C. (2006) . *Towards Gender Equality*.Authorspress. ISBN 81-7273-306-2.
- Mukhopadhyay, Carol Chapnick.(1994). *Women, Education, and Family Structure in India*. Editor: Susan Seymour. Publisher: Westview Press. Place of publication: Boulder, CO.
- Radhakrishnan ,Chitra. (2001) .The image of women in IndianTelevision. *Women in Action Journal*. 1:138-151.
- Sinha, Raghuvir.(1993). *Dynamics of Change in the Modern Hindu Family*.South Asia Books. ISBN 978-81-7022-448-8.
- Sarvy .(2000). Women in action .isis international-manila publication in collaboration with theWomen and Gender Institute (WAGI).Manila .
- ShendurnikarTere, Nidhi. (2012). *GenderReflections in Mainstream Hindi Cinema*. Global Media Journal – Indian Edition/ISSN 2249-5835
- Shweta Singh. (2009). *Examining the Dharma Driven Identity of Women: Mahabharata's Kunti - In The Woman Question in the Contemporary Indian English Women Writings*, Ed. Indu Swami, Sarup: Delhi: 306.
- UNFPA(United Nations Population Fund). (2009). State of World Population 2009. Facing a Changing World: Women, Population and Climate. At: www.unfpa.org.

نویسندگان

طاهره میرساردو

استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار

عذرا باقی

فارغ التحصیل کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی از دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی